



۱۷ شهریور

حماسه مقاومت

مردم گرامی باد!

بر بستر بحران سالهای ۵۵-۵۶ که تمامی دستگاه بوروکراتیک نظامی حاکم را در خود پیچیده و جامعه را آستان انفجاری عظیم نموده بود، اعتراضات توده‌ای شکل گرفته و به پیش میرفت، تک‌جوشهای انقلاب بقیه در صفحه ۴



انتخابات فرمایشی رژیم چگونه برگزار شد؟

نفری که توهم خود را نسبت به رژیم از دست داده پوشیده نیست کسه ۱۲ میلیون رای با تقلب از صندوقها بیرون کشیده شده است -

اینک، بعد از گذشت هفت سال از حکومت ننگین جهل و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی حتی برای آخرین

توده‌های زحمتکش با بی‌علاقگی به انتخابات نگرستند و به تفریح‌های پوچالی حکومتگران واقعی ننهادند بقیه در صفحه ۳۳

طبقات چیست؟

((۳))

دولت

در صفحه ۶

پیام به دانش‌آموزان و دانشجویان

دانش‌آموزان و دانشجویان آگاه!

روز اول ماه مهر در حال فرا رسیدن است. در این روز زنگهای مدارس برمی‌آید و میلیونها آموزنده و جوینده علم و دانش بسوی کلاسهای درس روان میشوند. در این روز هلهله‌شادی آفرین میلیونها جوان و نوجوان به هم می‌پیوندند و چون طوفانی بنیان‌کن، کاخهای ظلم و ارتجاع را بلرزند برمی‌آورد.

امسال سال تحصیلی را در شرایطی آغاز میکنید که عده کثیری از هم شاگردیهایی شما توسط حکومت سفاک جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده و سینه مالا مال عشق آنها نسبت به خلق از هم بریده شده و بسیار دیگر از دوستان و هم‌زمان شما در

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

- اخبار
- اطلاعیه سازمان
- گزارشی از ...
- تقویم ...
- یاد صمد ...
- گرامی باد ...





## پیام ...

بقیه از صفحه ۱

سیاچالهای رژیم ضدبشری خمینیسی حماسه مقاومت می آفرینند و مبارزه خلق بر علیه ضد خلق مبارزه دانش و روشنائی را بر علیه جهل و تاریک اندیشی مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه خون آشام سرمایه دار را مادیت می بخشد .

سال تحصیلی را در شرایطی آغاز میکنند که جنگ افروزان حاکم بر میهن بیشترین قربانیهای تداوم جنگ ارتجاعی را از میان شما دانش آموزان انتخاب کرده و سرمایه داران شما دانش آموزان را گوشت دم توپ مینمایند .

رژیم با سبزه و نیرنگ بسا جوسازی و صدور بخشنامه تلاش میکند شما دانش آموزان را از اظهار نظر پیرامون مسائل سیاسی جامعه آزادی استثمار کارگران و زحمتکشان محقوق زحمتکشان و ملیتهای تحت ستم جنگ و ... بازدارد و اینطور وانمود کند که کار دانش آموزان فقط تحصیل است . رژیم مدرسه را تبدیل به زندان نموده بخشنامه صادر میکند که چنانچه مقررات ارتجاع و لباس و پوشش اسلامی و ... را رعایت نکنید از مدرسه اخراج می شوید . رژیم ارتجاعی این بار بارزترین تجسم تمام ستمگریهای نظام سرمایه داری که ابتدائی ترین حقوق انسانی را نیز از عموم توده های زحمتکش ایران سلب نموده شما دانش آموزان و دانشجویان را نیز از حداقل حقوق صنفی و سیاسی خود محروم ساخته است . رژیم در حال احتضار به هر

ریسمانی جنگ می اندازد معلمین و زندانهای جمهوری اسلامی یارای آن آگاه و انقلابی را اخراج می کنند را دارد که راه آنها را در مبارزه ( اخراج بیش از ۳۰۰۰۰ معلم در سال برای سرنگونی رژیم سد کند .

۵۹) آنها را اعدام میکند ( اعدام دانش آموزان و دانشجویان صد حسین زهی مشفی محمد زین الدینی امسال بیش از پیش خود را برای در بلوچستان و اعدام هرمز گرجی رویارویی مستقیم با رژیم جمهوری بیانی ) آنها را به زندان می اندازد اسلامی باید آماده کنند . امسال دانش آموزان و دانشجویان انقلابی می باید محل تحصیل تبدیل به محافل را نیز همچون معلمین انقلابی بحث های سیاسی اجتماعی و محافل اعدام می کند ، بزندان می اندازد ، از انتشار اخبار مبارزات شکوهمند تحصیل محروم میدارد . تمام اقدامات کارگران و زحمتکشان گردد . تجارب

زندانهای و خائنانه جمهوری اسلامی مبارزاتی توده ها انتقال یا بسد برای اینست که شما دانشجویان و شیوه های نوین در مبارزه با رژیم و دانش آموزان و معلمین آگاه و سرکوبگران که هم اکنون پیکار و انقلابی را از مبارزه و پاشیدن گرفته میشود مورد بحث و بررسی بنظر آگاهی در میان زحمتکشان قرار گیرد . این وظیفه دانشجویان بازدارد شما را از بسیج زحمتکشان و دانش آموزان و معلمین متمم در راه سرنگونی نظام استعماری و انقلابی است که مبارزات توده های سرمایه داری جلوگیری . وسیع دانش آموزان را سازماندهی اما دانش آموز و دانشجو نموده به تشکیل کمیته های مخفی زمانیکه با پوست و گوشت خود لمس مقاومت بپردازند . مبارزات مدارس میکند که یک طرف اردوی کار و زحمت را به مبارزات دیگر اقتدار زحمتکش رنج و فقر و بدبختی ، و طرف دیگر جامعه پیوند زنند . دانش آموزان اردوی سرمایه معیشر و عشرت دولت مبارز و معلمین مبارز با بدرنهائیت و مجلس و وزیر و زندان و گلوله رعایت مسائل مخفی کاری مبارزات خود با هم مصاف میدهند . چگونه می تواند را هم آهنگ ساخته در جهت انزوای هر

چشان خود را بروی واقعیتهای موجود چه بیشتر انجمن های اسلامی و بسیجی ببندند . چگونه می توانند در برابر ها و جاسوسها و اکثریتهای خائن اعدام همگامیها و پاره پاره شدن که با همکاری خود با رژیم بزرگترین دوستانشان در جنگ و زندانی بودن ضربات را به جنبش دانش آموزی دانش دوستان دیگر ساکت باشند . وقتی جوئی وارد آوردند حرکت کنند . آنها اینهمه ظلم و زور مخدعه و نیرنگ فقر و گرسنگی ، رنج و بی امان خود نه تنها ماهیت حاکمیت و مسکنت را می بینند و تضادهای را هرچه بیشتر در نزد توده های طبقاتی را تشخیص می دهند ، هرگز چشان خود را نمی بندند آنها بپا می خیزند ، نه کشتارهای رژیم پهلوی ۱۳ آبان ۱۶ و آذر و ۱۷ شهریور قادر بود جلویشان را بگیرد و نه اعداها

بقیه در صفحه ۹

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد



انتخابات ... بقیه از صفحه ۱

میگیرند . ( کیهان ۳۳ مردادماه ) تحت بازجویی قرار میدادند محاسبت رژیم ضدانقلابی که در پی از دست دادن پایگاه مردمی حیات ننگین خود را در سرکوب نیروهای انقلابی و ایجاد جو سرکوب و خفقان می‌بیند . علی‌الرغم جو خفقان و سانسور و حشتناک هواداران سازمان مبارت به چندین مورد پخش اعلامیه : سازمان در مورد تحریم انتخابات و نوشتن شعار و چپانندن اعلامیه ، در شهرستانهای استان نمودند که پاره‌ای از گزارشات آنها در همین شماره می‌خوانید . رژیم دیوانه‌وار نسبت به تفتیش و بازجویی زده و نه‌ها مورد بازداشت افراد بازرسی ماشینها ، بستن راههای ورودی و خروجی در شهرهای استان انجام داده است . رژیم از دستگیری خانواده‌ها نیز چشم‌پوشید ، عضو خانواده‌ای که از گوربند به زاهدان بازمی‌گشتند توسط سپاه دستگیر شده و پس از ۳ روز زندان و شکنجه آزاد میشوند . از ساعت ۹ شب به بعد مزدوران مسلح رژیم پیاده و بسا موتور ، کوچه پس‌کوچه‌های شهر را هرق کرده هويت افراد را جویا می‌شوند . انتخابات در چنین شرایطی برگزار گردید . روز ۲۵ مردادماه روزانتخابات در هر حوزه رای گیری حدود ده نفر مسلح ( ۵ کمیته‌ای و سپاه و ۵ نفر از شهربانی ) پس از بازرسی و چک کردن کامل ، افراد را به نروون حوزه ها راه میدادند . در این روزگشت های سپاه و کمیته مرتب در سطح شهرها تردد میکردند و به هر کس شک میکردند وی را بازداشت مینمودند در چند مورد بازرسی ماشین و موتور سوارها دیده شده است .

نماینده مولوی عبدالعزیز در مسجد مکی در نماز جمعه از توده‌های بلوچ خواست در انتخابات شرکت کنند توده‌های بلوچ نه تنها بقیه در صفحه ۱

تبلیغات وسیعی از سوی رژیم صورت گرفت مخمینی شرکت در انتخابات را تکلیف شرعی اعلام کرد . مسئله انتخابات را مسئله حیثیت و قواعد اسلام یاد کرد . خمینی گفت : باید مشارکت کنید اگر خدای نخواستہ از عدم مشارکت شما يك لطمه‌ای برجمهوری وارد بشود . . . . . مسئله ریاست جمهوری نیست ، مسئله اسلام است ، مسئله قواعد اسلام است ، مسئله حیثیت اسلام است و مسئله‌ای است که باید به آن اهمیت بدیم و بیشتر از هر وقت و بیشتر از هر سال و هر دوره باید انشاءالله شرکت بکنیم و امیدواریم که همه شرکت بکنند . ( کیهان ۱۶ مرداد ماه )

رنسجانی نیز که عدم استقبال توده‌ها را پیش‌بینی میکرد " بسا توجه به نبودن رقابت هیجان انگیز در صحنه انتخابات ممکن است تعدادی احساس بیجالی کنند . " ( کیهان ۳۳ مرداد ماه ) از توده‌ها خواست که این فراندمی است برای قبول انقلاب اسلامی و حضور شما در صحنه رای بعنوان اینکه انقلاب ( جمهوری اسلامی ) را قبول دارید یا خیر تلقی میشود . پس در آن بایست فعالانه شرکت کنید . " با توجه به اهمیتی که انتخابات برای ما دارد و برای ما جنبه فراندومی دارد بر ای اصل انقلاب ما حضور مردم را در صحنه بعنوان يك رای گیری بسرای اینکه انقلاب را قبول دارند یا نه تلقی می‌کنیم و دنیا هم اینطور تصدیق میکند حال اگر صندوقی خالی از رای باشد دشمن جشن می‌گیرد و اگر صندوقی پر باشد دشمنان عزت

میگیرند . ( کیهان ۳۳ مردادماه ) رژیم ضدانقلابی که در پی از دست دادن پایگاه مردمی حیات ننگین خود را در سرکوب نیروهای انقلابی و ایجاد جو سرکوب و خفقان می‌بیند . علی‌الرغم جو خفقان و سانسور و حشتناک هواداران سازمان مبارت به چندین مورد پخش اعلامیه : سازمان در مورد تحریم انتخابات و نوشتن شعار و چپانندن اعلامیه ، در شهرستانهای استان نمودند که پاره‌ای از گزارشات آنها در همین شماره می‌خوانید . رژیم دیوانه‌وار نسبت به تفتیش و بازجویی زده و نه‌ها مورد بازداشت افراد بازرسی ماشینها ، بستن راههای ورودی و خروجی در شهرهای استان انجام داده است . رژیم از دستگیری خانواده‌ها نیز چشم‌پوشید ، عضو خانواده‌ای که از گوربند به زاهدان بازمی‌گشتند توسط سپاه دستگیر شده و پس از ۳ روز زندان و شکنجه آزاد میشوند . از ساعت ۹ شب به بعد مزدوران مسلح رژیم پیاده و بسا موتور ، کوچه پس‌کوچه‌های شهر را هرق کرده هويت افراد را جویا می‌شوند . انتخابات در چنین شرایطی برگزار گردید . روز ۲۵ مردادماه روزانتخابات در هر حوزه رای گیری حدود ده نفر مسلح ( ۵ کمیته‌ای و سپاه و ۵ نفر از شهربانی ) پس از بازرسی و چک کردن کامل ، افراد را به نروون حوزه ها راه میدادند . در این روزگشت های سپاه و کمیته مرتب در سطح شهرها تردد میکردند و به هر کس شک میکردند وی را بازداشت مینمودند در چند مورد بازرسی ماشین و موتور سوارها دیده شده است .

نماینده مولوی عبدالعزیز در مسجد مکی در نماز جمعه از توده‌های بلوچ خواست در انتخابات شرکت کنند توده‌های بلوچ نه تنها بقیه در صفحه ۱

تبلیغات وسیعی از سوی رژیم صورت گرفت مخمینی شرکت در انتخابات را تکلیف شرعی اعلام کرد . مسئله انتخابات را مسئله حیثیت و قواعد اسلام یاد کرد . خمینی گفت : باید مشارکت کنید اگر خدای نخواستہ از عدم مشارکت شما يك لطمه‌ای برجمهوری وارد بشود . . . . . مسئله ریاست جمهوری نیست ، مسئله اسلام است ، مسئله قواعد اسلام است ، مسئله حیثیت اسلام است و مسئله‌ای است که باید به آن اهمیت بدیم و بیشتر از هر وقت و بیشتر از هر سال و هر دوره باید انشاءالله شرکت بکنیم و امیدواریم که همه شرکت بکنند . ( کیهان ۱۶ مرداد ماه )

رنسجانی نیز که عدم استقبال توده‌ها را پیش‌بینی میکرد " بسا توجه به نبودن رقابت هیجان انگیز در صحنه انتخابات ممکن است تعدادی احساس بیجالی کنند . " ( کیهان ۳۳ مرداد ماه ) از توده‌ها خواست که این فراندمی است برای قبول انقلاب اسلامی و حضور شما در صحنه رای بعنوان اینکه انقلاب ( جمهوری اسلامی ) را قبول دارید یا خیر تلقی میشود . پس در آن بایست فعالانه شرکت کنید . " با توجه به اهمیتی که انتخابات برای ما دارد و برای ما جنبه فراندومی دارد بر ای اصل انقلاب ما حضور مردم را در صحنه بعنوان يك رای گیری بسرای اینکه انقلاب را قبول دارند یا نه تلقی می‌کنیم و دنیا هم اینطور تصدیق میکند حال اگر صندوقی خالی از رای باشد دشمن جشن می‌گیرد و اگر صندوقی پر باشد دشمنان عزت

میگیرند . ( کیهان ۳۳ مردادماه ) رژیم ضدانقلابی که در پی از دست دادن پایگاه مردمی حیات ننگین خود را در سرکوب نیروهای انقلابی و ایجاد جو سرکوب و خفقان می‌بیند . علی‌الرغم جو خفقان و سانسور و حشتناک هواداران سازمان مبارت به چندین مورد پخش اعلامیه : سازمان در مورد تحریم انتخابات و نوشتن شعار و چپانندن اعلامیه ، در شهرستانهای استان نمودند که پاره‌ای از گزارشات آنها در همین شماره می‌خوانید . رژیم دیوانه‌وار نسبت به تفتیش و بازجویی زده و نه‌ها مورد بازداشت افراد بازرسی ماشینها ، بستن راههای ورودی و خروجی در شهرهای استان انجام داده است . رژیم از دستگیری خانواده‌ها نیز چشم‌پوشید ، عضو خانواده‌ای که از گوربند به زاهدان بازمی‌گشتند توسط سپاه دستگیر شده و پس از ۳ روز زندان و شکنجه آزاد میشوند . از ساعت ۹ شب به بعد مزدوران مسلح رژیم پیاده و بسا موتور ، کوچه پس‌کوچه‌های شهر را هرق کرده هويت افراد را جویا می‌شوند . انتخابات در چنین شرایطی برگزار گردید . روز ۲۵ مردادماه روزانتخابات در هر حوزه رای گیری حدود ده نفر مسلح ( ۵ کمیته‌ای و سپاه و ۵ نفر از شهربانی ) پس از بازرسی و چک کردن کامل ، افراد را به نروون حوزه ها راه میدادند . در این روزگشت های سپاه و کمیته مرتب در سطح شهرها تردد میکردند و به هر کس شک میکردند وی را بازداشت مینمودند در چند مورد بازرسی ماشین و موتور سوارها دیده شده است .

نماینده مولوی عبدالعزیز در مسجد مکی در نماز جمعه از توده‌های بلوچ خواست در انتخابات شرکت کنند توده‌های بلوچ نه تنها بقیه در صفحه ۱

# ۱۷ شهریور

## حماسه مقاومت مردم گرامی باد

بقیه از مقدمه

میرفت که اوجی همه‌گیر یابد، غریب و فریاد خلق خروشنده تر میگردد، ۱۶ شهریور تظاهرات چند صد هزار نفره آرامی برپا میگردد. رژیم شاه که پایه‌های سلطنت خود را متزلزل میدید، در هراس از گسترش حرکات و جنبش توده‌ای دستور حکومت نظامی و منع عبور و مرور در شهر تهران را میدهد. صبح روز ۱۷ شهریور توده‌های میلیونی از سراسر شهر به طرف میدان ژاله (میدان شهدا) سرازیر میشوند، رژیم پوسیده پهلوی مرکز نزدیک خود را در چشمای دلیر و قلبهای هزاران توده خشمگینی که برای احقاق حقوق حقه خود بپا خاسته بودند را میدید و به عبث تصور میکرد. قاتر خواهد بود با سرکوب تظاهرات جلوی حرکت توده‌ها را سد نماید. ارتشیان اسلحه‌های امریکایی خود را بطرف قلبهای هزاران انسان زحمتکش نشانه گرفتند، تظاهرات آرام توده‌ها بخون کشیده میشود، خون هزاران فرزند دلور خلق میدان ژاله را لاله‌گون ساخت. مخبر بخون کشیده شدن تظاهرات ۱۷ شهریور در سراسر کشور می‌پیجد. بدنبال وقایع ۱۷ شهریور جنبش توده‌ای با اوج وصف ناپذیری تمام کشور را فرا گرفت.

جنبش توده‌ها وارد مرحله نوینی از دوران مبارزاتی خود میگردد. شور انقلابی خفته در ترون توده‌ها بدنبال سرکوب تظاهرات بدست

مزدوران ارتش شعله‌ور گشته و همه‌گیر شهریور لمس کرده بودند را در ۲۲ میشود چنانکه ادامه آن در ۲۳ بهمن ماه ۵۷ به ثمر می‌نشیند.

تجربه ۱۷ شهریور ۵۷ نشان داد که هیچ رژیم روبه زوالی قادر نخواهد بود در برابر اراده تاریخی میلیون‌ها توده زحمتکشی که برای بدست آوردن خواسته‌های بحق خود بپا خاسته اند، با توسل به قهر و سرکوب و اتخاذ شیوه‌های وحشیانه و قتل و کشتار قرار گیرد، بلکه خود محکوم به فنا و نابودی است و با چنگ و دندان نشان دادن قادر نخواهد بود توده‌ها را از حرکت تاریخ ساز خود بازدارد.

۱۷ شهریور ۵۷ به توده‌ها برای یکبار دیگر ثابت نمود که تمامی دستگاه سرکوب از قبیل ارتش و پلیس و ... وسیله‌ای است در دست استعمارگران حاکم، که به محض کوچکترین فریاد اعتراضی از جانب توده‌ها برای سرکوب و بخون کشیدن توده‌ها بکار می‌افتند.

۱۷ شهریور ۵۷ ثابت نمود که ارتش و پلیس و ... چیزی نیستند جز دستگاه سرکوب طبقه بهره‌کش که بزور قدرت را قبضه نموده است و هیچگاه این دستگاه با این ساختار نظامی بوروکراتیک خود در خدمت امپریالیسم جهانی نخواهد توانست در خدمت و در کنار توده‌ها این تجربه عملی خود را که با گوشت و پوست در ۱۷

به مراکز سرکوب ارتش و پلیس و خلع سلاح پادگانها و مقابله مسلحانه و رویاروی با مزدوران ارتشی برخلاف شعارهای انحرافی جریانهای بورژوازی و خرده بورژوازی در خلاف خواست رهبریت که سعی در انحراف آنها توده‌ها داشت و شعار ارتش برادر ماست را به تظاهرات تحمیل می‌نمود به چسبزی عمل نمود که خود به عینه تجربه کرده بود.

آری هر انقلابی تنها زمانی قادر خواهد بود به نتایج قطعی خود نائل آید که ابتدا تمامی دستگاه بوروکراتیک - نظامی حاکم را درهم کوبیده، مخرد سازد و بر ویرانه‌های آن نظم نوینی را با استقرار ارگانهای اقتدار توده‌ای بنا نهد. این نه تنها در ۱۷ شهریور تجربه گردید بلکه تمام انقلابات جهانی این امر را ثابت نموده‌اند. و یکی از دلایل ناتمام ماندن قیام پرشکوه بهمن ماه نیز همین امر بود که با وجود وارد آوردن ضربات بسیاری بر دستگاه بوروکراتیک نظامی حاکم از جانب توده‌ها به اندازه کافی به پیش نرفته و تمامی دستگاه را خرد نداشت و با اعتماد ناآگاهانه به رهبریت مذهبی جنبش در جهت استقرار کامل ارگانهای توده‌ای حرکت ننمودند.

بقیه در مقدمه

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



پنجمه از منبه ۸

# ۱۷ شهریور ...

بورژوازی حاکم و برقراری ارگانهای پیشپور مبارزه و آغاز یک راه، اقتدار خود بر وحدت با تمامی انقلابی و ترغیبان محسوب می شود .  
 خلقهای نریبند میهنمان تجربه ۱۷ مبارزه ای که مرک را تحقیر میکرد و شهریور ۵۷ را با استقرار جمهوری زنده ماندن را با هر شرایطی نمی - دمکراتیک توده ای عملی خواهند ساخت .



## صد

پنجمه از منبه ۱۰

میخند " ... مهم اینست که زندگی من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد ... "

آری صد را وقتی کشتند که سرمای سکوت را شکسته و نوری در تاریکی شب دمیده بود .

یاساش گرامی یاد

### اخبار

#### زاهدان :

" عدم پرداخت حقوق کارکنان شهربانی "

بحران اقتصادی حاکم و کسری بودجه شدید دولت باعث گردیده که دولت نتواند حقوق دستگاہهای عریض و طویل بوروکراتیک ارتجاعی خود را در موعد مقرر بپردازد ، از اوایل سال ۶۴ قرار بود مبلغ ۸۰۰ تومان به عنوان حق عائله مندی به حقوق کلیه کارمندان ادارات و شهربانی ( پاسبانها و افسران ) پرداخت شود ولی به علت کسری بودجه دولت تا بحال از پرداخت این مبلغ خبری نبوده است - لازم به یادآوری است که کارکنان شهربانی ماهیانه ۶۰۰ تومان طلبکار که هنوز پرداخت نشده است .

به معلم جامعه تبدیل شده بود معلمی که با عملش و زندگی سرمشق میشد . معلمی که تاریخ حماسه مقاومت شاگردانش را بر زیر شکنجه های نرخیمان پهلوی فراموش نمی کند و او حداقل در حول و حوش خود هم فداانی تربیت کرده بود .

فدائیانانی که وقتی به رفیق امیر پرویز پویان معرفی شان کرد مقدمات هسته مرکزی شاخه تبریز را فراهم کردند ولی زمانی هسته شکل گرفت که دبیری از کشته شدن صد در موجهای ارس نمی گذشت اما آرمانهای بلندش یکی پس از دیگری توسط رفقای او جامه عمل می پوشید . همه این حوادث وقتی اتفاق افتاد که یکی از سیاهترین سالهای تاریخ ایران را پشت سر می گذاشتیم سالهای رعب و هراس و سکوت و طعم تلخ شکست و ناامیدی حاصل از سالها دیکتاتوری و رجزخوانی های حکومت وابسته به امپریالیسم و خالی کردن میدان توسط خیانت پیشه گان توده ای در روزهای تعیین کننده و سرنوشت ساز ، مردم را به بی تفاوتی کشانده بود و درچنین دورانی است که اقدامات صد و رفقا -

جمهوری اسلامی بجای درسگیری از تجربیات جنبش در سال ۵۷ جا پای اسلاف خود نهاده و بدرستی با شناخت از منافع تاریخی طبقه سرمایه دار به بازسازی ارگانهای حاکمیت این طبقه یعنی ارتش و پلیس و غیره و کلا دستگاه عریض و طویل بوروکراتیک - نظامی رژیم شاه پرداخته است . و تلافی بسیار نمود تا خاطر ۱۷ شهریور را از آنها نوده ها محو سازد و بدین منظور بجمع آوری تمامی عکسها و پوستره های آن روز نمود رژیم جمهوری اسلامی نیز مانند تمامی رژیمهای سرمایه داری در سراسر جهان برای نجات پایههای لـسـرزان و پوسیده اش راهی جز تقابل با جنبش و خواسته های بحق توده ها نداشته و به همان شیوه های کهنه شده بورژوازی یعنی سرکوب عریان و عنان گسیخته و وحشیانه حرکات اعتراضی توده ها متوسل گشته است . و به عبث تصور می کند که میتواند با توسل به شیوه های قرون وسطائی سرکوب و ایجاد جو رعب و هراس توده ها را از حرکت نوران ساز خود بازدارد ، و چنانچه صباحی بیشتر حیات انگلها ی جامعه را تامین نماید .

ولی رژیم جمهوری اسلامی نیز بدرستی دریافته است که چیزی به مرک ننگینش باقی نمانده است و سرنگونیست توانای توده ها نزدیک است و این تلاشهای مذبحوانه چیزی جز چنگ و دندان نشان دادن گرگی در حال مرک بیش نیست . اینبار توده ها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و خرد کردن تمامی دستگاه بوروکراتیک - نظامی

پنجمه از منبه ۱۰

## هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



## دولت ...

آیا دولت‌ها نظور که خمینی و نخست‌وزیر مزدورش یا دیگر حکومت‌های سرمایه‌داری می‌گویند "خدمتگزار مردم" است این لفاظیات در مورد دولت‌مطلب تازه‌ای نیست و نیازی هم به بحث درباره آنها نیست. زیرا برای مردم زحمتکشی که خان‌نشینان توسط "دولت‌خدمتگزار" بساخته‌اند یکسان می‌شود، یا کارگرانی که در این بیداد گرانی خواهان اضافه دستمزد شده و اعتراضشان توسط گلوله‌های "دولت‌خدمتگزار" پاسخ داده می‌شود، یا پدران و مادرانی که فرزندان جوانشان به جرم عدالتخواهی و ایستادگی در مقابل ظلم و نابرابری هر صبح و شام توسط "دولت‌خدمتگزار" تیرباران می‌شوند و ... این لفظ "خدمتگزار" بسیار طنزآلود و خنده‌آور است. اما بحث بر سر این دولت یا آن دولت نیست بلکه باید از دولت بمعنای عام آن صحبت کنیم. چیزی که همه تبلیغات طبقات حاکم برای جلوگیری از ترک روشن آنست و بهمین خاطر اگر مردم از دولت خوب و بد صحبت می‌کنند و خیال می‌کنند دولت از ازل بوده و باید همیشه باشد، به علت تبلیغات مسموم‌کننده‌ایست که طبقات حاکم در طی سالیان سال در اینمورد انجام داده‌اند. به گفته لنین کبیر " ... شما مسئله دیگری را پیدا نخواهید کرد که عمدا یا سهوا توسط نمایندگان علوم سرمایه‌داری فلسفه و فقه و اقتصاد سیاسی و مطبوعات این چنین سردرگم و مغشوش شده باشد ... "

زمین، گله و ابزار تولید و مرتع به همه قبیله تعلق داشت و از مالکیت خصوصی خبری نبود و مردم تصوری از دولت‌ها نداشتند، نابرابری اقتصادی اجتماعی اصلا نداشتند. هر نفر مجبور بود همه کاره باشد، یعنی کشاورزی کند برای خودش ظروف مورد نیاز بسازد ابزار کار بسازد و لباس تهیه کند. با چنین وضعیتی روشن است که نمی‌توانست یکمده اشراف یا برده‌دار یا حاکم یا افراد دولتی وجود داشته باشند زیرا که اینها کار نمی‌کنند و باید بخورند و این در جوامع اولیه ممکن نبود چون مازاد تولید وجود نداشت که هیچ بلکه شکم تولید کنندگان هم نیم سیر بود. رفته رفته ابزار تولید تکامل یافته و با کشف فلز تحول عظیمی در تولید رخ داد. کشاورزی که ادامه‌ی منطقی جمع‌آوری خوراک بود تحول یافت و با ابزار کار فلزی و شخم زمین تولیدات آن افزایش یافت و دومین تقسیم کار بزرگ نیز صورت گرفت یعنی صنعت مستقل برای خود رشته‌ای تخصصی شده، چرخ کوزه‌گری و ریسندگی و ... دیگر به تخصص بیشتری نیاز داشت و لذا صنعتگران هرچه بیشتر از کشاورزی فاصله گرفتند جدائی کار صنعتگری از کشاورزی و دامپروری لزوم خرید و فروش بین آنها را ضروری تر میکرد دیگر يك نفر می‌توانست بیشتر از احتیاجات اولیه خودش تولید کند و از ثمره کارش کسان دیگری بسوزانند که کار کنند می‌توانستند بخورند. يك تغییر اساسی در پایه‌های جامعه بوجود آمده بود و ابزار تولید تکامل یافته بودند، لذا تقسیم کار عدت‌گرفت و مبادله گسترش

اگر بخواهیم برای روشن شدن مسئله به حرفهایی که خود دولت‌ها یا دانشمندان وابسته به دولت‌ها و سایر عناصر که منافعتان با دولت گره خورده در مورد دولت می‌گویند اکتفا کنیم تنها خود را فریب داده و گول تبلیغات آنان را خورده‌ایم. لذا برای ترک روشن تر از مسئله ناچاریم به تاریخ پیدایش دولت مراجعه کنیم.

در زمانهای دور که انسان هنوز مراحل اولیه تکامل خود را طی می‌نمود مردم همخون و قوم و خویش بصورت گروه‌های کوچک در قبایل می‌زیستند و آداب و رسوم و اعتبار و احترام و قدرت بزرگان قبیله تفوق داشت. این قدرت بزور تازیانه اخذ شده بود بلکه براساس احترام و اعتماد مردم و معیارهای تجربی و سنتی طایفه و کارآئی عملی این انتخاب صورت گرفته ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه تعیین می‌شدند. در جنگها همه‌ی مردم یا گروه ویژه‌ای از بین خود آنان برای جنگ فرستاده می‌شدند و این گروه‌های مسلح بدفاع از منافع کل قبیله می‌پرداختند. لذا از ارتش دائمی که فقط کسارش جنگیدن باشد خبری نبود همچنانکه از زندانها و دیگر وسائل سرکوب از بزرگ تا کوچک همه باید کار میکردند زیرا ابزار تولید آنقدر تکامل نیافته بود که یک نفر بتواند با کار خودش دیگران را هم خرج بدهد و هر کس می‌توانست به اندازه شکم خودش تولید کند.

بقیه در سنده ۷

۴۰ ساعت کار، دوازده تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



## دولت ..

پنجم از صفحه ۶

یافت و اسرای جنگی بجای اینکـــ  
کشته شوند به کار گمارده می‌دهند  
و مالکیت خصوصی بر بردگان و رفته  
رفته بر زمین و متعلقاتی بوجود  
آمد و خانواده‌های ثروتمندی بوجود  
آمدند که مقدرات همه مردم جامعه  
را در دست گرفتند و ثمره کار  
آنان را به خود اختصاص دادند  
و کسانی پیدا شدند که می‌توانستند  
کار نکنند و بخورند و در رفاه  
باشند در مقابل کسانی که با کار  
طلاقت فرسای برده‌گی تنها نان بخور  
نمیزی به کف می‌آوردند و از اینجا  
دیگر جامعه به طبقات تقسیم شد  
و اشراف و برده‌داران که مالک

بردگان و زمین و متعلقات آن بودند  
شاعران و فلاسفه و ... که همگی  
از ثمره کار دیگران روزگار می‌گذر-  
اندند بوجود آمده جامعه یکسست  
و برابر، نخستین دوره‌اش سپری شد .  
اما خوردن ثمره کار دیگران به این  
سادگی هم امکان‌پذیر نبود زیرا هیچ  
کس حاضر نمیشد با میل و رغبت حاصل  
دسترنج خود را به کسی دیگر بدهد که  
کوچکترین زحمتی بر اینمورد متحمل  
نشده است، لذا جنگی آشتی ناپذیر  
میان ایندو جریان یافت و بردگان  
با خشم و کینه‌پایان ناپذیر بر علیه  
برده‌داران از هیچگونه دشمنی فرو  
گذار نمی‌کردند . این جنگ سر سازش  
و آشتی نداشت و هر روز گسترده‌تر  
میشد . از اینرو برده‌داران و همه  
آنها که از قبل بردگان نان می‌خور-  
دند و منافعی داشتند مجبور بودند  
سنگاهی برپا کنند که دائم و بزور

تنبیه و سرکوب و تحمیق مردم را  
و ادا کند که برای آنها کار کنند  
و برای این ظلم و ستم قانون تدوین  
نماید . این موسسه یا دستگاه یا  
ماشین برای سرکوب محرومان و برده  
نگهداشتن بردگان پدیدار شد و آنرا  
دولت نامیده . همزمان با پیدایش  
مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به  
طبقات این دستگاه سرکوب هم بوجود  
آمد . وجود این دستگاه ثابت میکند  
که جامعه دچار تضادی ناپذیر  
است و طبقاتی در جامعه وجود دارند  
که آشتی بین آنها ممکن نیست زیرا  
اگر آشتی آنان ممکن بود دولت  
بوجود نمی‌آمد یا اگر می‌آمدناپایدار  
بود و نمی‌توانست دائمی باشد .  
این دستگاه ترکیب شده از کسانی  
که کارشان فقط حکومت کردن و هدف  
ضرورت وجودیشان تامین منافع طبقه  
حاکم بزور سرنیزه و زندان و شکنجه  
است . این داروسته خود را از دیگر

ان جدا کرده و بر آنها بقصد حکومت سلطنت کند و یا محدودی اشراف معتبر  
کردن فرمانروائی می‌کنند و بردگان برده‌دار بنام اریستوکراسی با حکومت  
را و ادا به برده مانند میکنند . اشراف یا کلا همه برده‌داران در اداره  
برای اعمال این زور و خشونت باید دولت سهیم باشند . آزادی در این  
بطور دائمی و سیستماتیک دستگاهی حکومتها تنها بین برده‌داران و وا-  
در اختیار باشد و ارتق آماده به بستگان نشان معنی دارد و برای برده  
خدمتی که بتواند هر صدای مخالفی هیچگونه حقی قائل نمی‌شدند و اصلا  
را خفه کند و زندانهای که مخا - جزو انسانها نبودند .  
لغین وضع موجود را در سیاهچالهای  
آن محکوم به مرگ تدریجی نمایند  
کسانی که متخص در شکنجه و آدم‌کشی  
باشند و بتوانند بیشترین ترس را در  
دل طبقات محروم ایجاد کنند و ...  
همه اینها از ملزومات ماشین  
سرکوبی بنام دولت است . دستگاهی  
که بدون وجود آن یکساعت بهره‌کشی  
از طبقات محروم ممکن نیست . هزینه  
دولت نیز از جیب زحمتکشان پرداخت او هیچ تاثیر نمی‌گذارد، از اینرو

می‌شود و بصورت وامهای دولتی  
و مالیاتها از آنها اغازی می‌گردد .  
و باین ترتیب مردم زحمتکش و بردگا  
ن ستم‌دیده باید هزینه شکنجه‌گر  
خود را نیز بپردازند و هزینه  
سرکوب خود را بعهده بگیرند و ازها  
نی را بنام دولت تغذیه کنند که  
ثمره نیروی بدنی و دماغی و عصبی  
و طراوت زندگانی آنان را بنفع  
طبقه دارا و ستمگر ضبط می‌کند  
و کاری جز این ندارد .  
دولت برده‌داری اشکال مختلفی  
بخود گرفت مثل جمهوری سلطنتی ،  
اریستوکراسی ، دمکراتیک ، ولی بر همه  
حال جوهر دولت که همان سرکوب طبقه  
برده و سایر طبقات نادر بود را حفظ  
کرد . در تمام این حکومتها ی برده-  
دار، برده جزو احشام محسوب می‌شد  
و اشکال مختلف حکومت تنها نشاند-  
هنده این بود که یک خانواده معتبر  
از اشراف برده‌دار بنام پادشاه

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی  
علیه رژیم تبدیل کنیم

پنجم از صفحه ۸



## دولت . . . بقیه از صفحه ۷

باید کسانی بالای سر او میگماشتند تا از او کار بکشند، کار یک دهقان آزاد بر روی قطعه کوچکی اربابی بسیار بیشتر محصول میداد تا کار برده و برده داران نیز این را میدانستند. و کم کاری و غوروش و عمیان بردگان بدانان آموخته بود که دولت باید نقش فعالتری در رابطه با حفظ منافع طبقه ایفا کند و اصلاحاتی در وضع برده گان و اقداماتی در جهت تقویت نیروی خود بنماید تا بردگان دلسرد و مایوس و مجبور را بشکلی به سرنوشت کار علاقمند

کنند، اما دیگر شیوه تولید برده و بی رغبتی و اجبار به کار می پردازند. داری خود سد تکامل و افزایش تولید ند و بزور شلاق به کار وادار میفوند بود و از همین رو پس از سالیان ولی در شیوه تولید فئودالی صرف تراز عمر برده داری پایان یافت و رعیت می داند که اگر چه مقدار و بساط آن رفته رفته از تمام دنیا ناچیزی از تولید خود را صاحب برچیده شد. و فئودالیسم به جای می شود اما اگر بیشتر تولید کند آن حاکم شد. این سهم اندک بیشتر خواهد شد. لذا در شیوه تولید فئودالی طبقه بیشتر کار می کند و تولید افزایش محروم و بهره ده را دهقانان و سرفها می یابد و از این جهت یکقدم جامعه تشکیل میدهند و مالکان بزرگ و زمین فئودالی نسبت به برده داری از نظر داران و ثروتمندان حکومت را در دست تکامل جلوتر است. داشته دولت فئودالی منافع آنها را تامین می کند و در ماهیت امر و جمهوری بروز کرده که در شماره هیچگونه تفاوتی با دولت برده دار آینده هنگام بررسی دوران سرمایه ندارد و همان تعاریفی که بطور کلی داری و تولد آن به شرح خصوصیات از دولت می شود شامل دولت فئودالی بیشتری درباره دولت فئودالی نیز نیز می گردد. تفاوتی که در شیوه خواهیم پرداخت. تولید فئودالی با برده داری دیده می شود اینست که بردگان با بی تفاوتی ادامه دارد

## گرامی ...

بقیه از صفحه ۱۸

پس از سوار کردن خسرو به ماشین درک علمی از چرایی فقر و نظام سپاه بدنبال ماشین همراه خسرو سرمایه داری، راه رهایی زحمتکشان کشیده میشدند. را برگزید و تا آخرین لحظه زندگی یاد خسرو همواره بر چهره کوتاه ولی پربارش به آرمان عشق دیوارهای فقر در چاه بهار برنگ و رهایی فدائی وار مومن مانده، سرخ زنده است. یاد خسرو نربندهای و خون سرخش را چون هزاران فدائی زندان قرون وسطائی ایران شهر زنده وثیقه رهایی زحمتکشان و سوسیالیسم است و طنین فریادها و شعرهای کرد. انقلابی بلوچی ای که میخواند خسرو در هنگام نوشتن شعار بر در قلب تک تک زندانیانی که با وی دیوارهای چاه بهار دستگیر و پس همبند بوده اند طنین افکن است و یاد از چندماه تحمل شکنجه های وحشیانه، استقامت و جسارت خسرو جاودان. در حالیکه کلمه ای از اسرار جنبش بارها در هنگام فروش نشریه را به دشمن نداده بود در ۲۷ شهریور و بخش اعلامیه های سازمان دستگیر ۱۳۶۰ بدست مزدوران رژیم جهل و پرتو در این دوران هرچه بیشتر و سرمایه تیرباران شد و پرتو چهره کثیف سرمایه داری برایش خورشید صبحگاهی را درخشانتر روشن و عزمش جزمتر میشد و زبونی نمود. حمایت از وی که سپاه کسان رژیم بر وی آشکارتر. خسرو گرچه از خانواده خوانین می پریش است و لباسهای خسرو گرفته تا مانع بردنش شوند و تا لحظاتی بود ولی به آنان پشت کرد و بسا

و چهره کثیف رژیم را به زبان شیوا و گرم بلوچی افشا میکرد و در مقابل تهدیدهای فرماندار و سپاه که قصد پاره کردن نشریات را داشتند سیلی زده و با جارتی خاص نشریات را از دست آنها گرفته و برای مردم به زبان بلوچی بازگو میکرد. فراموش نمی کند خسرو در دل زنان و مردان زحمتکشی که از وی در مقابل فرماندار و سپاه حمایت میکردند و خشم خود را بسا پرتاب آجری به سر فرماندار نمایان ساختند همواره زنده است. یکبار بهنگام دستگیری خسرو چند زن در حمایت از وی که سپاه کسان رژیم بر وی آشکارتر. خسرو گرچه از خانواده خوانین می پریش است و لباسهای خسرو گرفته تا مانع بردنش شوند و تا لحظاتی بود ولی به آنان پشت کرد و بسا

## گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

یالش گرامی

راهش پر ره و تریباد



پنجمه از ماده ۳

## انتخابات

در انتخابات

شرکت نکردند بلکه اکثرا در روز انتخابات از خانههای خود بیرون نیامدند. رای گیری در محلههای بلوچ نشین زاهدان از آنجمله کریم آباد چهار راه رسولی، قبرستان و ... و همچنین سایر مناطق شهر بدون رونق بود. اکثر حوزهها بنحو چشمگیری بازاریشان کساد بود. فقط مسجد جامع که مرکز تجمع مزدوران رژیم بود در شلوغ ترین ساعات روز حدود ۵۰ نفر آمده بودند که اکثرا جیره خواران رژیم بودند. در ساعت ۱۱ روز انتخابات در حوزه مسجد جامع خاش نیز فقط چهار نفر مشغول رای دادن بودند.

از معتادان زندان و زندانیان عادی بزور اخذ رای شد. در موارد زیادی از افغانیهای بدون کارت هم رای گرفتند. تمام افغانیها با کارت رای دادند. افغانیها بجای زحمتکشان بلوچ و سیستانی رای داده و از نوشتن هویت خود در ترفهها خودداری کردند، گزارشات رسیده از سایر شهرستانهای استان هم بیانگر عدم استقبال تودهها از انتخابات میباشد. اکثر حوزهها خلوت و سوت و کور بوده است و این در شرایطی است که رژیم فریبکار جمهوری اسلامی در منطقه جرات نکرده بگوید که تودهها همه شرکت کرده اند. آری سردمداران رژیم بخوبی دریافته اند که تودهها از رژیم سرکوب و خونریز جمهوری اسلامی بیزارند و نمایشات پوشالی را به مسخره میگیرند و هرگز در آن شرکت نمیکنند.

تودهها با عدم شرکت خود در انتخابات یا بقول رفسنجانی رفراندم برای قبول انقلاب و بزم خمینی مسئله حیثیت اسلام و کلیت جمهوری اسلامی را بزیر سوال برده و نشان دادند که اتفاقا "بی حال" نیستند بلکه در تحریم انتخابات و نهرا سیدن از قطع کوبن و دستگیری و زندان خیلی هم فعال هستند. تودهها با نفی انتخابات نشان دادند که خواستار دمکراسی ای فرای دمکراسی بورژوازی رژیم هستند تودهها خواهان دمکراسی هستند که در آن بر سر نوشت خود حاکم بوده و به آنها فرصت داده شود تا نمایندگان واقعی خود را انتخاب و اداره امور دولتی را بستان آنها بپارند. ایین دمکراسی فقط میتواند دمکراسی پرو- لتری باشد که به تودهها واقعا امکان میدهد برای اولین بار سر نوشت سیاسی، اقتصادی کشور را درست بگیرند و از طریق شوراهای کارگری و دیگر نهادهای انقلابی کشور را اداره کنند.

تودههای زحمتکش حاضر نیستند در چهارچوب نظام بورژوازی جمهوری اسلامی در انتخابات شرکت کنند که برگههای انتخاباتی اش از گلولههای داغ و صندوقهای تفنگ و قانونیتش قهرضد انقلابی باشد، تودهها راه مسان قهرآمیز "قیام" را برگزیده اند و در تلاش آنند که با توسل به توان انقلابی خود، دستگاه اقتدار خویش یعنی جمهوری دمکراتیک خلق را برپا دارند. عدم شرکت فعال تودهها و بزیر سوال بردن انتخابات پوشالی و نروغین وظیفه ما هواداران سازمان سرمایه ستیز چریکهای فدائی خلق را سنگین تر میکند، نیروهای

انقلابی در این شرایط انقلابی و سر نوشت ساز نباید منتظر سیر حوادث بنشینند، باید بر فعالیت انقلابی خود مد چندان بیفزائیم، به سازمانهای مبارزات تودهها، تشکیل کمیتههای مخفی مقاومت و رهبری تودهها در جهت سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی و برپائی جمهوری دمکراتیک خلق بپردازیم.

## پیام

پنجمه از ماده ۲

تودهها و دانش آموزان و دانشجویان افشا نمائیم. مواضع سازمان را در میان دانش آموزان برده. برنامه سازمان را تبلیغ کنیم. به محدود کردن مبارزه در سطح مدارس بسنده نکرده به سازمانهای مخفی و تشکیل کمیتههای مخفی مقاومت در محلات نیز بپردازیم. تمام جامعه را به عرصه کارزار علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرده و برای تودهها توضیح دهیم که فقط با:

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است که جامعه نوینی را پی خواهیم افکند که در آن از فقر و گرسنگی آوارگی، بیکاری مستم، استثمار، فحشا و اعتیاد و خلاصه تمامی معائبی که این رژیم به بار آورده است خبری نباشد و تمام این معائب فقط همراه با خود رژیم به گور سپرده خواهند شد.

کمیتههای مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



### صمد ..

بنیاد از منحه ۱۸

صمد کشته شد ، وقتی که : هر روز زندگی اش برای مردم پر بار تر و ارزشمند تر و ضروری تر میشد . و در تمام عرصه های مبارزه جای مخصوص خود را می یافت و می رفت که " مسلسل پشت عیبه " را ممانده کند . ( آنسان که پس از مرگش رفقای او مسلسل کلاحتری تبریز را ممانده کردند ) .

وقتی که : اندیشه های بقی در میان مردم رسوخ کرده و به مابیت می رسید و هنوز می سالگی را تمام نکرده . برای انقلابیون و آنانکه سری پر شور داشتند نامی شناخته شده بود و نوشته هایش نایاب و ممنوع و خوش از سوی آموزش و پرورش تهدید میشد که چنین و چنان می کنند اگر از افشاکری بر علیه آموزش و پرورش شاهانه دست برندارد قضیه که این نبود . مطلب بر سر آتش سوزانی بود که از نرون معلم جوان روستاهای آنربا بجان شعله می کشید . آتشی که بدیگران گرما می بخشید و بگرد همدیگر جمعشان میکرد و سرشار از امید و آرزو به میدان مبارزه میکشاند . و مطلب بر سر اندیشه های بود که صمد اشاعه میداد و میگفت " هر نوری هر چقدر هم کوچک باشد بالآخره روشنائی است و این مایه هراس پاسداران شب سیاه دیکتا توری بود و می دانستند اگر همه این اندیشه را داشته باشند چه حریقش در خواهد گرفت و در پی این هراس صمد به موجهای ارس پیوست .

صمد کشته شد . وقتی که جای پای خود را به وضوح روشنی در ادبیات کودکان بجا نهاده بود و اندیشه های علمی را با نشری شیوا ، روشن

ساده و قابل درک در لابلای قصه های غیرین و منطبق با فرهنگ توده ها وارد ادبیات کودکان کرده بود و راهی گشوده بود که " ادبیات کود کان پلی باشد بین دنیا ی رنگین و بی خبری و در رویا و خیالهای شیرین کودکی و دنیا ی تاریک و آگاه غرقه در واقعیت های تلخ و درد آور و سرخست محیط اجتماعی بزرگترها . " و می گفت : " کودک باید از این پسل بگذرد و آگاهانه و مسلح چراغ بدست بدنیا ی تاریک بزرگترها برسد . "

صمد با امیدهای واهی و دلخوش کنک های الکی در همه عرصه ها بخصوص در زمینه تربیت کودکان مخالف بود و معتقد بود که بچه باید بداند که چرا نصف مردم گرسنه اند و چرا گرسنه شده اند و راه بر انداختن گرسنگی چیست و این مفاهیم را خود در قصه ها برای بچه ها با زبان ساده توضیح میداد و در تمام قصه ها - بش این دنیا ی واقعی است که برای بچه توضیح داده میشود از مفاهیم پیچیده ای چون ضرورت مبارزه مسلحانه گرفته تا علت فقر موجود طبقات و حرکت دیالکتیکی در جامعه ، تضاد و اخلاق و پند و اندرزهای بی محتوای طبقات حاکم . همه را برای بچه ها توضیح میداد توضیحی که برای بزرگترها هم آموزنده است مثلا ماهی سیاه کوچولو برای هر سنی در مقطع خود آموزنده و پرمحتوا بوده و هست او برای کودکانی نوشت که مانند خوش از دل فقر و محرومیت روئیده بودند و آنطور که در باره خوش می گوید " ... کسی نشد مرا آبیاری کند من نمو کردم ... مثل درخت سنجد کج و معوج و قانع به آب کم ، و عدم معلم روستاهای آنربا بجان . " بی هیچ مراقبتی بزرگ

زاهدان - ۱۴/۵/۱ :  
" اشاعه فحشاء و فساد توسط مزدوران رژیم " در تاریخ ۱۴/۵/۱ چند جوان که از اطراف پارک کوی قفس در حالی عبور بودند متوجه دو سیاهی در اطراف توالت پارک میشوند . جوانها به کمین می نشینند و متوجه میشوند که یک دختر و یک پسر به توالت رفته بچه توضیح داده میشود از مفاهیم پیچیده ای چون ضرورت مبارزه مسلحانه گرفته تا علت فقر موجود طبقات و حرکت دیالکتیکی در جامعه ، تضاد و اخلاق و پند و اندرزهای بی محتوای طبقات حاکم . همه را برای بچه ها توضیح میداد توضیحی که برای بزرگترها هم آموزنده است مثلا ماهی سیاه کوچولو برای هر سنی در مقطع خود آموزنده و پرمحتوا بوده و هست او برای کودکانی نوشت که مانند خوش از دل فقر و محرومیت روئیده بودند و آنطور که در باره خوش می گوید " ... کسی نشد مرا آبیاری کند من نمو کردم ... مثل درخت سنجد کج و معوج و قانع به آب کم ، و عدم معلم روستاهای آنربا بجان . " بی هیچ مراقبتی بزرگ

توسط ایادی رژیم اتفاق می افتد .

اخبار...  
بنیاد از منحه ۵



کارگران مبارز ایران!

رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است با ایجاد شورا های اسلامی کار در کارخانه ها یورش وحشیانه دیگری را علیه کارگران سازمان دهد. شورا های اسلامی کار را بزار دیگری برای تشدید استثمار و سرکوب و وسیله ای در دست سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها ، علیه کارگران است . با مبارزه متحد و متشکل خود از تشکیل شورا های اسلامی کار در کارخانه ها جلوگیری کنید و برای پیشبرد مبارزه انقلابی خود کمیته های کارخانه ها ایجاد کنید .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

علیرضا شاه بابائی ۱۳۶۰  
پنج شنبه ۱۴ شهریورماه - شهادت  
فدائیان خلق ناصر فتوتی ، محمد  
سیاسی ، حمیدرضا ماهیگیر ۱۳۶۰  
جمعه ۱۵ شهریورماه - شهادت  
فدائیان خلق عباس کابلی ۱۳۵۳  
جواد کارشی ۱۳۶۰  
شنبه ۱۶ شهریورماه - شهادت فدائی  
خلق نادره نوری ۱۳۶۰  
یکشنبه ۱۷ شهریورماه - جمعه خونین  
و اعلام حکومت نظامی در تهران و  
یازده شهر دیگر ۱۳۵۷  
دوشنبه ۱۸ شهریورماه - شهادت فدا -  
ثیان خلق قاسم معروفی ، ابوبکر  
آرمان ۱۳۵۸  
چهارشنبه ۲۰ شهریورماه - کودتای  
پینوشه در شیلی ۱۹۷۳  
شهادت فدائی خلق هوشنگ  
احمدی ۱۳۶۰  
پنج شنبه ۲۱ شهریورماه - شهادت  
پیشمرگه فدائی رشید یزدان یناه  
( سکو ) در کرستان ۱۳۶۱  
شهادت فدائی خلق محمد رضا ستوده  
۱۳۶۳

### تقویم ... بقیه از صفحه ۱۸

۱۳۶۲	سعیده کریمیان	جمعه ۸ شهریورماه - شهادت فدائی خلق حسن سعادت
۱۳۵۸	کدتار وحشیانه روستائیان قارنا	شنبه ۹ شهریورماه - شهادت معلم انقلابی صمد بهرنگی
۱۹۴۵	اعلام جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی	شهادت فدائیان خلق طهمورث اکبری ، جمیل یخجالی ، احسن و شهریار ناهید
۱۳۵۵	سه شنبه ۱۲ شهریورماه - شهادت فدائیان خلق پرویز داوری	شهادت رفیق کاک فواد مصطفی سلطانی ( کومه له )
۱۳۵۶	غلامحسین بیگی	یکشنبه ۱۰ شهریورماه - شهادت فدا - ثیان خلق محمد مجیدی
۱۹۷۵	مرک هوشی مین	جمیدرضا مالکی ، احمد صادقی ، محمد تقی فرومند ( هایبون ) ( قبل از ۱۵ شهریور ۱۳۶۰ )
۱۳۵۸	چهارشنبه ۱۳ شهریورماه - پیروزی آلنده در شیلی	دوشنبه ۱۱ شهریورماه - شهادت خلق مهدی سیمین
۱۹۷۰	شهادت فدائیان خلق حسن مالحسی ، پنج شنبه ۲۸ شهریورماه - شهادت فدائی خلق علیرضا یراقچی	فدائیان خلق بهنام رهبر ، بهمن رهبر ، محمد رضا فریدی
۱۳۶۰	جمعه ۲۹ شهریورماه ، شهادت فدائی بهباد شهبائی	
۱۳۶۰	چهارشنبه ۲۷ شهریورماه - شهادت فدائیان خلق خسرو مبارکی سعید	
۱۳۶۰	فدائی خلق ابوالفضل قزل ایاق ۱۳۶۱ رهبری	

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



## اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به کارگران درباره تحریم شوراهای اسلامی کار رژیم جمهوری اسلامی

### اخبار... بقیه از صفحه ۱۰

زاهدان:

کارگران مبارز ایران!

رژیم جمهوری اسلامی بدستال یورش همه جانبه علیه تشکلهای واقعی کارگری و محروم ساکنین شما کارگران از سازمانهای صغی و مستقل خود هجوم و حمله دیگری را علیه شما آغاز کرده است. رژیم جمهوری اسلامی با لگدکوب کردن همگی دستاوردهای انقلابی شما و به منظور تشدید هر چه بیشتر استعمار و به شکست کشیدن مبارزات طولانی کارگران ایران تلاش دارد ارتجاعی ترین و فاشیستی ترین سیاستهای ضد کارگری را در کارخانه ها بکارگیرد. رژیم جمهوری اسلامی در هر سال از اوچگیری مبارزات قهرمانان شما کارگران قصد دارد با برپائی و تشکیل شوراهای اسلامی کار - خانه به سرکوب و دامن زدن خود متنگل سازمان یافته تری بدهد. رژیم جمهوری اسلامی نشه ۹ - تهرسور ماه از زبان وزیرکار مرتجع خود اعلام کرد شوراهای اسلامی کار برضیق مصوبات مجلس شورای اسلامی بزودی در کلیه واحدهای کنسور تشکیل خواهند شد. شورای اسلامی کار که قانون آن در رسنه گذشته توسط شورای نگهبان، نظم ارتجاعی حاکم به تصویب رسیده و برای اجراء دولت و اتحاد شده است. یک ارگان ارتجاعی دولتی که سرمایه داران و در حقیقت یکی از ارگانهای اصلی سرکوب رژیم جمهور اسلامی در کارخانه ها است. شورای اسلامی کارها نخور که وزیرکار رژیم عمران دارد در درجه اول وسیله است برای جلوگیری از اعتراضات شما کارگران، سرکوب مبارزات اعتصابی و سایر مبارزات انقلابی در کارخانه های ایران و خارج این شوراها را ورسیر کار ارتجاعی در سحرانی اخیر خود چنین شرح می کند: "شوراهای اسلامی کار درها همگی با مدیریت قادر خواهند بود تولیدات را بالا ببرد. شوراهای اسلامی کار را از احلال و فاشیستی که ممکن است در واحدهای مختلف تولیدی بروز کند، جلوگیری می نمایند. شوراهای اسلامی کار موجب تقویت مدیریت در واحدهای تولیدی خواهند شد."

پاسداران ارتجاع برای ترور یا دستگیری خان محمد یا محمد زهی که اینک آنسوی مرز اسکان دارد وارد خاک پاکستان میشوند و با نیروهای مسلح پاکستانی ترکیب میشوند، برگیری چندین ساعت ادامه پیدا می کند که آخر الامر با اتمام فشنگهای نیروهای پاکستانی و تسلیم شدن آنها به پاسداران ترکیبی خاتمه می یابد. برای آزادی گروهگانهای مذاکراتی بین مقامات منطقه ای دو کشور در جریان است.

سراوان - بم پشت:

فردی بنام علی جان توسط ژاندارمها ترور میشود. نامبرده جهت سرکشی به مزرعه خود واقع در "بزآب" نزدیک بیرکن میرود که توسط جاسوسهای محلی شناسائی میشود. مامورین مسلح ژاندارمری وی را به محاصره در آورده، آهنی رئیس پاسگاه قصد داشت وی را زنده دستگیر کند. از آنجا نیکه علی جان به کلت مسلح بوده به آهنی تیراندازی میکند، تیر به عان آهنی اصابت کرده از گردنش خارج میشود. علی جان را به رگبار می بندند و سوراخ سوراخ میکنند. آهنی را به بیمارستان زاهدان انتقال میدهند، نامبرده جان سالم بدر میبرد.

بقیه در صفحه ۱۳

همانگونه که خود سران مرتجع جمهوری اسلامی علما و آنگاران ادعان دارند، شوراهای اسلامی کار ابزار سرکوب و عامل ستمگری و استعمار هر چه بیشتر سرمایه داران در کارخانه ها هستند. تشدید این ارگانها با حیرت و کداریه جبین ارگانهای در کارخانه های که شما در آن کار می کنید، با بگیرند، بر خیزند و هما نگونه که طی نزدیک به ۷ سال حکومت ستمگر رژیم جمهوری اسلامی مانع از تشکیل این ارگانها شده ایم اکنون سرمایه داران شما مان خود آخوین سیرتیک رژیم را با شکست قطعی روبرو سازید. بنابراین پیروزی شما تشنگل و حرکت منحنماست. بیا خیزید و با حرکت متحد و هما هنگ علیه هرگونه اقدام رژیم برای برپائی و تشکیل این ارگانهای ضد کارگری دست به مبارزه سزید. رژیم جمهوری اسلامی که طی همین ۷ سال بیشترین فشار و استعمار را بر شما روا داشته است، با غارت و جباول بی حد و حصر برپا به جنگ ارتجاعی کمونی و ستمد استعمار کارگران حرفه و کوسکی ستمگر چیزی به ارمغان نیاورده است. رژیم غلبرغم اعمال اس فقر و سیه روزی، غلبرغم تشدید هر چه بیشتر استعمار، سیاستهای ترور و خفگان پلیسی و بیشترین فشار سرکوب را برای مقاومت از اعتراضات شما اعمال داشته است. تشکیل شوراهای اسلامی کار و بدستال آن اجرای قانون کار فوق ارتجاعی جدید سازمان یافته ترین شیوه سرکوب و حمله به - ترین یورش رژیم جمهوری اسلامی علیه شما و مبارزات شماست. بیا خیزید و این اقدام ضد کارگری را با شکست کامل مواجه کنید.

زابد باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلیش

## اخبار

زاهدان - ۲۸/۴/۶۴ :

بغیه از صفحه ۱۲

۹ نفر زن و مرد که برای فرار از دستگیریهای رژیم خمینی قصد داشتند از مرز خارج شوند در ۲۰ کیلومتری زاهدان - میرجاوه (بطرف مرز) به چنگال مزدوران پست فطرت رژیم می افتند ( ۳ نفر زن و ۶ نفر مرد بوده اند ) که افراد فوق را به ساوا ما برده و تحقیق و بررسی پیرامون هویت آنها ادامه دارد .

زاهدان - ۲۵/۴/۶۴ :

سه زن که قصد خروج از مرز را داشتند در مسیر زاهدان به میرجاوه در جاده فرعی منتهی به مرز توسط مزدوران ژاندارمری دستگیر و به پاسگاه خان محمد چاه آورده میشوند این زنان که مسلح بوده اند در پاسگاه به روی مزدوران رژیم آتش می کشایند که پس از چند لحظه آتش و شلیک و تمام شدن فشنگهایشان در نهایت بی رحمی و خشونت مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته و خلع سلاح میگردند و پس از آن به زاهدان فرستاده میشوند پس از افسای خیر فوق در سطح شهر مزدوران رژیم از ترس بی آبرویی مسئله فوق راهتوز کتمان کرده اند و می خواهند مسئله فوق را از چشم توده ها و انهان آنها بدور نگه دارند ولی درگیری مسلحانه زنان با مزدوران رژیم در پاسگاه زیانزد تمام مردم شده است .

زاهدان - تیرماه ۶۴ :

تعداد زیادی از کارکنان هوا - پیمائی جمهوری اسلامی در سراسر ایران از کار برکنار میشوند که عده زیادی از زاهدان بوده و و دفتر آنها را که روبروی سینما مهربان بوده تعطیل می کنند . ( دفتر جدید هواپیمائی جنب نروازه خاش جنب هتل گاندی میباشد ) کارکنان اخراجی بسته جمعی روز ۲۱ تیرماه تجمع وسیعی را سازمان میدهند و تعدادی زن و فرزندان خود را هم با خود آورده بودند . این حرکت ، مزدوران را بوحشت انداخته و قول دادند به وضع آنها رسیدگی شود . تجمع وسیع کارمندان اخراجی توده های وسیعی را متوجه این حرکت کرد و در شهر زاهدان هرجا صحبت از این حرکت اعتراضی بود . رژیم بناچار عده ای را به کار فراخوانده ولی عسدهای زیادی باز هم تاکنون بلا تکلیف هستند که به انحاء مختلف اعتراض خود را علیه این بیدادگری ها ادامه میدهند .

زاهدان - مردادماه ۶۴ :

یکی از هواداران سازمان اعلا میه سازمان چغخا را در رابطه با انتخابات فرمایشی رژیم و تحریم آن که در تاریخ ۴ مرداد از رادیو صدای فدائی پخش شد ضبط و روی کاغذ پیاده نموده و ۲۰ عدد برك دستنویس شده را در محله محروم و فقیرنشین بابائیان پخش کرد .  
برود بر هواداران رزمنده و فعال سازمان که از هرگونه امکاناتی ( هرچند ناچیز ) در جهت پیشبرد اهداف سازمان و انقلاب استفاده می کنند .

زاهدان - مرداد ماه ۶۴ :

با عدت گرفتن جنگ ارتجاعی ایران و عراق ، تعداد زیادی آواره جنگی به زاهدان وارد شده اند ، اکثر آنها در پارکها و یا خیابانها بسر می برند . در سختترین و بدترین شرایط زندگی خود را می گذرانند ، رژیم نه تنها به آنها کوچکترین کمکی نکرده بلکه به انحاء مختلف آنها را مورد ایذا قرار میدهد . خانواده هائی نیز که از اهالی فقیرنشین منطقه جنگی بوده و آواره شده اند در خارج از شهر خاش و اطراف کوره ها در بدترین شرایط بسر می برند . آنها از رژیم بقدری بیزار هستند که علنا به خمینی و سایر ستاندرکاران حکومت در ملا عام دشنام میدهند .

زاهدان - ۲۵ تا ۲۸ تیرماه :

در ایفروزها چند محل و منطقه شهر زاهدان " کوی متحدین ، پارک متحدین ، مجتمع مسکونی جام جم مجاور صدا و سیما ، استادیوم ورزشی ۱۷ شهریور ) به شعار و برچسب کار و ریگای گدل و بامی استار را بخوانید و حول برنامه عمل سازمان متحدشویم زده میشود . در بین روزهای فوق هواداران سازمان برچسب های زیادی به کامیون ها و ماشینهایی که بیسن شهرها رفت و آمد می کردند ، می زنند . انعکاس این عمل انقلابی هواداران سازمان باعث شد که قدرت و استحکام و انجام و رزمندگی سازمان مجدداً در سطح وسیع در نهن توده ها و روشن فکران زنده شود و به عینه مشاهده کنند که سازمانهای انقلابی کماکان به مبارزه قدرتمند خود علیه ارتجاع همچنان ادامه میدهند .



## برنامه های رادیو "صدای فدائی"

هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر

روی موج ۶۴ متر و ۷۵ متر

بمدت ۴۵ دقیقه پخش می شود.

عین همین برنامه روز بعد

ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجدداً پخش

می شود.

برای تماس با رادیو "صدای

فدائی" می توانید با آدرس

زیر مکاتبه نمائید.

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay sous

Bois France

## اطلاعیه... جنگ...

پنجمه از صفحه ۱۵

و خامت اوضاع گردید. تجربه پنج سال جنگ به عموم توده های مردم ایران نشان داده است که از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، رژیمی که با سادار منافع سرمایه داران است و عموم ساستهای آن علیه زحمتکشان بوده و هست، نمیتوان انتظار ملحق راداشت که منفع توده ها باشد. کلدیایه جنگ دردستان نیرومندست. تنها سرنکوسی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، تنها قیام و انقلاب می تواند در ادرا بسوی صلح، دمکراسی، رفاه و خوشبختی بگناید. جنگ پنج سال تمام ادامه داسد و تنها ما مصیبت و فاجعه بسیار آورده است. اگر وضع بر همین منوال یا شد ممکن است چند سال دیگر این ادامه یابد. مگر آنکه شما توده های مردم ایران به مبارزه ای سرنوشت ساز علیه رژیم سرخیزید و این واقعیت راد درک کنید که تنها با قیام مسلحانه میتوان به جنگ خاتمه داد. هیچ راه دیگری وجود ندارد. اکنون پنج سال است که همه روزه گروه گروه مردم زحمتکش و مستعبد ایران در جنبه های جنگ در پشت جبهه ها و در اثر سساران و کلوله ساران شهرها کشته می شوند. جرابوده های مردم ایران با بددیریک جنگ ارتجاعی، جنگی که در خدمت منافع و مقاصد سوداگران، جاه طلبانه و توسعه طلبانه سرمایه داران و رژیم سادار منافع آنها، اینهمه کشته شوند و از برای در آسند. برای رهاشی از اینهمه مآسآ و کشتار به قیام مسلحانه برخیزید. تلفات مردم ایران در این قیام که بخاطر جمهوری دمکراتیک، صلح، دمکراسی، رفاه و خوشبختی است هزاران بار کمتر از تلفاتی است که همه روزه در نتیجه جنگ ارتجاعی دولسپای ایران و عراق متحمل می شوند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در اداسان محسندن به جنگ و دسیاسی به یک صلح دمکراتیک را قیام مسلحانه مردم ایران برای سرنکوسی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت انقلابی - دمکراتیک می داند، اعلام میدارد که ما سرنکوسی رژیم جمهوری اسلامی، حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران موظف است بلا درنگ اعلام آتش بس کند و به فوریت مذاکره در جهت دسیاسی به یک صلح دمکراتیک را آغاز نماید.

سرنکون یا در رژیم جمهوری اسلامی - سرررار ما جمهوری دمکراتیک خلق

نا بود با دابیرالسم جیاسی بسرکردگی امیرالسم آمرکا و با نگاه داخلست

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شهریور ماه ۱۳۶۴

## سراوان :

در پی سیاست کنترل مرز و کشید ن جاده مرزی از تفتان تا چاه بهار کار احداث این جاده شروع شده است که در چندین مورد توسط بلوچهای مسلح ممانعت بعمل آمده است. رژیم برای آنکه بتواند مرز را کنترل کند با فاصله های نزدیکی اقدام به ساختن ساختمانهای بتنی جهت پاسگاه نموده است که کار بعضی از آنها روبه اتمام است و بعضیها نیمه کاره مانده اند.

تلاش داشت چند اتاق گلی بسازد توسط ما مورین جنگلبانی گرفته میشود و کارگران از کار بازداشت میشوند. فرد زحمتکش یکمعدد رادیو ضبط خارجی و مقداری وسایل دیگر به ما مورد جنگلبانی میدهد و زمینش از "خارج محدوده" خلاص شده روز بعد کار را شروع میکنند.

## اخبار... پنجمه از صفحه ۱۳

### سراوان :

ما مورین جنگلبانی نیز می خوا - هند از بازار رشوه خواری سهم ببرند، آنها با اخذ رشوه اجازه جمع آوری هیزم میدهند و اینروزها دربسر بدنبال روستائیانی که خانه می سازند هستند یا بعنوان خارج از محدوده از آنها اخاذی کنند. در این رابطه جلوی کار ساختمانهای زحمتکشی که

وتی عاقبت دست گریگ کوهانی المء حق انت



پنجمین شماره ۱۴ اخبار

# اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت پنجمین سالگرد آغاز

## جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق



سراوان:

نیروهای سرکوبگر رژیم همچنان به سر بازگیری اجباری مشغولند. بر این رابطه دو نفر توسط پاسگاه آسیبج دستگیر میشوند و آنها داخل یک اتاق زندانی میشوند، نیمه شب دو نفر بوسیله یک عدد انبر که از قبل بهمراهشان بوده است قفل اتاق را شکسته و بدور از چشم نگهبانان که بخواب ناز فرورفته بودند میم های خاردار اطراف پاسگاه را نیز قطع کرده، فرار میکنند.

سراوان:

بازار رشوه همچنان داغ است و تمام بستگای رژیم را تریس گرفته است. فرماندار، پاسدار، کمیتهای، رئیس پاسگاه، شرکت تعاونی همه و همه به سر کبش کردن و اخاذی مردم مشغول هستند. اخیرا مقداری تیر آهن را بین روستائیان محددی تقسیم کردند، مسئول تقسیم تیر آهن ها نیز ازای مبلغی علاوه بر قیمت تیر آهن خارج از نوبت تیر آهن ها را تقسیم میکند، نوبت یکی از زحمتکشان می رسد، مسئول تقسیم ازوی بازای دو عدد تیر آهن تقاضای هزار تومان پول " رشوه " علاوه بر قیمت تیر آهن ها میکند. فرد زحمتکش

جکوسه می خوان به جنگ خاتمه داد!  
کارگران، دهقانان، سرازان، مردم زحمتکش و ستمدیده سراسر ایران!  
پنج سال تمام ارتجاعی میکه جنگ دولتهای ایران و عراق آغاز گردید، گذشت. اما رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با هم سرازان جنگ ارتجاعی مغرب انگسرو حاکمان را که اسفند صفت با محرب و فاجعه انگسرتان سر همگسرتان بوسه دست پای میسازد. طی پنج سالیکه اراغارا جنگ ارتجاعی گذشته است دیگر ما هبت ارتجاعی و مدخلی و مدخلی ان سر همگسرتان بوسه شده و اکنون دیگر سر همگان روشن شده است که اس جنگ بر خلاف منافع و مصالح بوده که در جنگ ایران و عراق و ستم سرازان و امیرالاستنها بوده وقت. سناج پنج ساله اس جنگ برآ بوده های مردم ایران چه بوده است؟ طی این پنج سال مدعا هراس از مردم زحمتکش ایران در جنگ کشته و معلول شده اند، میلیونها سرازان و سرازانکی خود را کسکی از دست داده و هم اکسون در اردوگاههای آوارگان در فرغ و ستمکس هولناکی سر میسرتند. میلیونها نومان از سر و سسای اجتماعی در ان سراز جنگ نابود گردیده است. هریال سس عدا مدوی عدا و سسار د نومان از حاصل دسترخ کارگران و زحمتکسان ایران صرف خرید خیرات جنگی و هر سه های ماسس جنگی و سسای رژیم شده است. جنگ شرایط مادی زندگی کارگران و زحمتکسان ایران را بیوسه و حسمس کرده است. سسای به جنگ سرتد استعمار کارگران امروزه شده، دستمزدهای کارگران عدا و ما کاس بافته است. قیمت اجناس و کالاها ی مورد نیاز زحمتکسان روز بروز افزایش پیدا کرده است. سال به سال سسوزان مالنا نهایی سسقم و غیر سسقم که بر داحت کنندگان اعلی آن کارگران، دهقانان و عموم زحمتکسان اند، امروزه شده است. وضع زندگی کارگران و زحمتکسان شدت سسوزایی سس و عموم بوده های مردم ایران با فقر و سسکت روز بروز و سسوزنده، مدعا هراسا سواد دهان عدا در سوز فرزندانشان سسای سسسه اند، مدعا هراسا سواد ده دیگر فرزندانشان و شوخرا سساشان هم کسرت در حبه های جنگ سس سسرتند، سسای و اطراف به سسوزند و آسوده آنها میسازند، دلپزه و اطراف ناشی از جنگ سساران و کلوله سساران مداوم شهرها و مناطق سکوسی زندگی را بر عموم مردم سساز کرده است. اما سسکتس را چه سساک که جنگ سسهمه سساش و سسکتس سسای نوده های مردم ایران سساز آورده است. آنها سسرتی مفا عدا سسوزا گران و سسای سسوزنده و سسوزنده طلبا به خود سسوزند. سساز سسای طی این جنگ آنچه ان پولهای سسکت و سسرام آوری سسبازده اند که هرگز با عدا سسوزنده است. امیرالاستنها سسها سسار دها دلار بودا و طریق فروش سسلیعات سسبازده اند، هساره های ناشی از جنگ حقیقتا مردم ایران را سسوز آورده است. اما سساز مرتجع رژیم سساز هساره های جنگ را سسای دهند.

کارگران، دهقانان، سرازان، مردم زحمتکش و ستمدیده سراسر ایران!  
هر چه اس جنگ ادا میسازد سسرت سساز سسای و فاجع سسرت سساز اس جنگ امروزه خواهد شد. سساره گروه کسرت دیگری از مردم ایران جان خود را از دست می دهند، سسوز سسای جنگ امروزه میگردند، تعداد سسرتی به حسل عظم آوارگان میسوزند، شرایط مادی زندگی عموم مردم دنوار سسوزا هسند و فقر سسای عظیمتری سسرت سساره سساره سسوزنده گرفت. سسای سسوز و سساز سساره سساره انگسرتی که جنگ و رژیم جمهوری اسلامی سساز آورده اند، خاتمه داد و ما سساز سسوزند و سسای دهند.

سراوان - مردادماه ۶۴:

سرانجام کمیته در این ترکیبی دغا  
لت نموده و ۲ نفر را به جرم همکاری با  
در روستای گشت بین عناصر و با اشرا ر بازداشت میکند و تاکنون که پولی که باید بپردازد همان  
افراد وابسته به کسختی سابق اطلاعی از آنها در سسکت  
و افراد وابسته به سسوزا و سسبج و سسرت سسرت با دخالت ملاهای مرتجع به افشاکرتی با صدای بلند، مسئول  
بر سر گرفتن شرکت تعاونی روستایی بین دوباند آسختی و صلح موقت برقرار تقسیم سسرتی یابد که هوا سسرت است اگر  
برخوررد و ترکیبی ایجاد میشود که گردید.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست



# اطلاعیه ...

بقیه از صفحه ۱۲

## سراوان :

کارگران مبارز ایران !

فرا موش نکسید که سرمایه داران عوامل مزدور و دست نشانندگان هزار رنک خود را به پهلپاس و هر مسلکی می آریند ، فرا موش نکسید که حزب نموده و اکثریت علمبرغم طا هر مخالفت جونی علمه حکومت هما نظور که تاکنون نشان داده اند هم اکنون نیز خردمت به سرمایه داران و جزیره انحراف کسیدن مبارزات شما هیچ اصالت دیگری برای خود قائل نیستند . نموده ای ها و اکثریتی ها امروز هم کد حتی خود سران رژیم جمهوری اسلامی در برپا سترین شکل به نقش ضد کارگر شوراهای اسلامی کنار اعتراف میکنند ، برای آنکه شمارا بفریند شوراهای اسلامی کار را با یک دست پس میرسد و ما دست دیگر پیش می کشند ، نموده ایها و اکثریتی ها امروز که همه کارگران ما هست ارتجاعی انجمنها و شوراهای اسلامی کارخانه را بخوسی شناخته اند ، ما قاسون شوراهای اسلامی کار در طا هر مخالفت می وررند اما در باطن خود آبرانا سید می کنند ، آنها می گویند چه مسا مبارزات جاری کارگران حتی موجب انحلال انجمنها و شوراهای اسلامی کارخانه است ، اما وضعه کارگران تحریم و انحلال اسس شوراهای نیست ، رفقای کارگر فرا موش نکسید که ما رزه سرمایه داران و حاکمیت نظام بوسنده سرمایه داری جزا ز طریق افتنا و طردسی امان ایورنونیست و سازشکاری بدیروزی نخواهد رسد . پس با برپا شی کمیته های کارخانه مستانه زیربنای شوراهای واقعی خود و ما تحریم و جلوگیری از تشکیل شوراهای اسلامی کارخانه منها رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنید بلکه با و کوبان و ایورنونیستهای سازشکار را سزار صفوف خود طرد و منروی نماشید .

بمروز یاد مبارزه متحد و یکپارچه کارگران  
رنده ما دو سالیم  
سارمان جریکهای فدائی خلق ایران  
۱۱-تبریر ما ۱۳۶۴

## سراوان - مرداد ماه :

بقیه از صفحه ۱۵

## چاه بهار - دشتیاری :

## اخبار ...

این فرد اینطور ادامه نهد کنند کارش در می آید . برای ساکت کردن فرد زحمتکش راضی میشود که از وی هزار تومان نگیرد .

## فیروز آباد :

در محلی با اسم ریک کولم بیسن بلوچهای مسلح ضد رژیم و پاسداران ارتجاع درگیری روی میدهد که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از پاسداران میگردد . در میان زخمیها چهره منفور بنام قاسمی وجود دارد . در این درگیری هیچ آسیبی به بلوچها ی مسلح نمی رسد .

بعلت کمبود آبهای زیرزمینی اهالی دشتیاری از آب بارانی که در گودالها جمع میشود جهت شرب استفاده می کنند . ژاندارمها اقدام به بردن آب یکی از آبادیها بوسیله تانکر آب می کنند . اهالی اعتراض میکنند ژاندارمها به اعتراض مردم واقعی نمی نهند و روز بعد مسلحانه اقدام به بردن آب می کنند . چند روز بعد ژاندارمهای مسلح توسط بلوچهای مسلح کشته و اسلحه آنها ماسره میشود . رژیم متعاقب این عمل به ایذا و آزار روستائیان می پردازد .

به علت کسری بودجه که دولت با آن مواجه است چندین شرکت راه و ساختمان ناچار شده اند که فعالیتها خود را محدود کنند و در نتیجه روز بروز بر تعداد کارگران بیکار افزوده میگردد ، در سراوان شرکت مکران همیرگان ، تاکنون نتوانسته اند مزد ۵ ماهه کارگران را پرداخت نمایند و حتی تحت عنوان صرفه جوئی حق اولاد و حق مسکن کارگران را قطع نموده و کارگرانی که حدود ۱۰ الی ۱۵ سال سابقه کار دارند بدون هیچ خلایقی فقط و فقط بخاطر صرفه جوئی دولت و نجات از ورشکستگی اخراج میشوند .

بقیه در صفحه ۱۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق



اخبار

بقیه از صفحه ۱۶

زاهدان ۱ مردادماه ۶۴ :

" خاموشی‌های مکرر برق در سطح شهر و توجه‌های عوامفربانه نماینده جنایتکار امام (عبادی‌خائن) " چندی است که شهر زاهدان شاهد

خاموشی‌های مکرر و پی‌در پی است . توده‌های مردم طی شکایات و نامه‌هایی به مقامات خواهان پاسخگویی به این مشکل شده‌اند . عبادی‌خائن در نماز جمعه ۶۴/۵/۴ کمبود برق را نتیجه افزایش مصرف برق توسط ضد انقلاب و ناراضیان ذکر کرده و گفت : بعضی‌ها میخواهند از این طریق به رژیم ضربه بزنند و گفت حالا که مشکلات زیاد است مردم باید صبر کنند و گفت که رفسنجانی در سفر اخیرش به کشورهای چین و ژاپن - فقط آنها را برای شرکت در پروژر شرکت نیرو مسمازی کارون جلب کرده و آنها در زمینه رفع کمبود برق و آب می‌توانند بیا کمک کنند . این سخنان خود گویای ناتوانی و عجز و وابستگی روزافزون رژیم است . این حتی از برآوردن نیازهای توده‌ها در زمینه مسایل جزئی مانند برق و آب عاجز و درمانده است .

زاهدان - مورخه ۶۴/۵/۸ :

هواداران سازمان جهت تبلیغ ، کلیشه " نشریه کار را بخوانید " را در کوی متحدین به نرو دیوار حک کردند . این عمل انقلابی هواداران باعث شد که توده‌های این محل از فعالیت انقلابی سازمان و در مقابل عجز و ناتوانی رژیم آگاه شوند .

\*\*\*

### گزارش

بقیه از صفحه ۱۸

می‌پردازند و چون کوچکترین اثری را نمی‌توانند ردیابی کنند با کمیته و اطلاعات زاهدان و منطقه ۱۶ کرمان (سیستان و بلوچستان - کرمان - هرمزگان) تماس گرفته و مسئله فعالیت نیروهای سازمان چریکهای فدایی خلق را در منطقه اعلام کرده و مذبحخانه تقاضای نیروی ویژه و کمکی (ساواکی‌های زبده) مینما- بند که روز بعد مورخه ۶۴/۵/۱۶ یک گروه سی نفری از نیروهای جاسوس و مزدور به سرپرستی فردی بنام محمد رضا اشرفی وارد سراوان گشته و فوری جلسه‌ای با حضور فرماندار ، رئیس دادگستری ، رئیس جهاد سازندگی ، رئیس سپاه و بسیج و محتشمی مسئول اطلاعات سراوان ، فرمانده گردان مرزی و شهربانی ... در مورد فعالیت سازمان چریکها در سراوان تشکیل میدهند . آنگاه گروه سی نفری رهنمودهایی در مورد شیوه برخورد با فعالیت‌های مخفی گروهها به سپاه و کمیته میدهند و بمدت یک هفته در سراوان نسبت به تحقیقات گسترده ای می‌زنند . شبها افرادی را مسلح بصورت کمینی در مناطق حساس شهر مستقر می‌سازند ولی چون نتایج‌ای نمی‌توانند بگیرند به زاهدان بر سر می‌کردند ، منتها به نیروهای امنیتی و کمیته دستورات لازم را برای تحت نظر قرار دادن افراد مشکوک میدهند تا سعی کنند جلوی فعالیت‌های نیروها

را سد نمایند تا در انتخابات اخلاقی ایجاد نشود و مردم از فعالیت گروههای سیاسی آگاه نشوند . همچنین در تاریخ ۶۴/۵/۲۵ قبل از انتخابات توسط هواداران سازمان چند نقطه شهر پخش تراکت و اعلامیه با موفقیت انجام شد و مردم متوجه پخش تراکتها و اعلامیه‌های سازمان میگردند و سپاه که از جریان باخبر شده بود فوراً با تلاشهای مذبحخانه بعضی از اعلامیه‌ها را جمع‌آوری کرده پاره می‌کند و با دیوانگی به گشت زنی شب و روز در سطح شهر می‌پردازند و تاکنون نیز پی‌گردهای رژیم ادامه دارد .

پخش اعلامیه‌های سازمان در سراوان به رژیم نشان داد که سازمان در سخت‌ترین شرایط اختناق و خفقان قادر است به رسالت خود در جهت آگاهی دادن به توده‌ها عمل کند و رژیم را همچون بید برخوردارزانند کارشناسان رژیم سعی می‌کنند تا جلوی فعالیت‌های سازمان را بگیرند تا شاید بتوانند صبحی دیگر سیادت سرمایه را حفظ کنند . اما رژیم هرگز قادر نخواهد بود خصم و کینه توده‌ها را با زور سرنیزه فرونشاند و مانع فعالیت‌های نیروها انقلابی بشود .

### تصحیح و پسوز

در بامی‌استار ۳۵ ، مقاله‌دهوای خوانین ۰۰۰ صفحه ۳ -تون ۲ سطر ۳۲ می‌کشد " ۰۰۰ پدر علم خان مبارکی را می‌کشد " ۰۰۰ " پدر بزرگ علم خان مبارکی را می‌کشد " صحیح است .

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست



## گزارش عملیات پخش در سراوان

در مورخه ۱۴/۵/۱۵ در شهرستان شهر ۷- تابلو خوش آمدید در ابتدای سراوان همزمان با تبلیغات گسترده شهر و فرودگاه .

رژیم در مورد انتخابات فرمایشی و وقتی نیروهای کمیته و سپاه رئیس جمهوری، توسط رفقای هژوادار متوجه پخش اعلامیه‌های سازمان در سطح تعدادی تراکت و برجیب ( نشریات شهر میگردند دیوانه‌وار با بسیج سازمان ۰۰۰ و حول برنامه عمل ۰۰۰) عمومی پیگردی را در سطح شهر آغاز را پس از شناسائی دقیق اماکن پسر می‌کنند، که فقط موفق میشوند چند رفت و آمد در سراسر شهر شروع به اعلامیه را بست آورده و با تلاش پخش نمودند و رفقا با هویشاری زیاد از دیوار و تابلوها کنده و با توانستند اعلامیه‌های سازمان را در خودشان به سپاه و کمیته و سازمان نقاط مورد نظر چسبانده و از منطقه اطلاعات (ساوا ما) بپزند. در سراسر عملیات خارج گردند . شهر پست‌های نگهبانی گمارده و با اماکن عبارتند از: لباس شخصی و یا بطور خانوادگی با

## گرامی باد خاطرۀ فدائی رفیق شهید

### خسرو مبارکی

خسرو تیرباران شد و خون سرخش بر پهنه چهره صبح سرید تا سپیده خلق را گلگون تر سازد .  
بامی استار ( ستاره سپیده دم )  
درخشانتر گشت و بر چهره اش لبخندی نوید بخش سپیده فردای خلق نشست .  
ایران شهر چهره مصمم و چشمهای درخشان و پراز کینه خسرو را که در مقابل فرماندار فریاد می‌کشید

بندیه در صفحه ۸

۱- سه باب نانوائی در محله‌های ماشین‌های سواری به گشت زنی کشتارگاه، فضای سبز و نزدیک دبیرستان بلوچ ۲- استادبوم ورزشی ۳- دبیرستان بلوچ و مدرسه راهنمایی فرخی ( خدمات ) ۴- باجه‌های صندوق پستی در شهر ۵- درب‌های فلزی و تابلو ادارات بنیاد مکن و تابلوهای راهنمایی و رانندگی

بندیه در صفحه ۱۷

## تقویم شهریور ماه

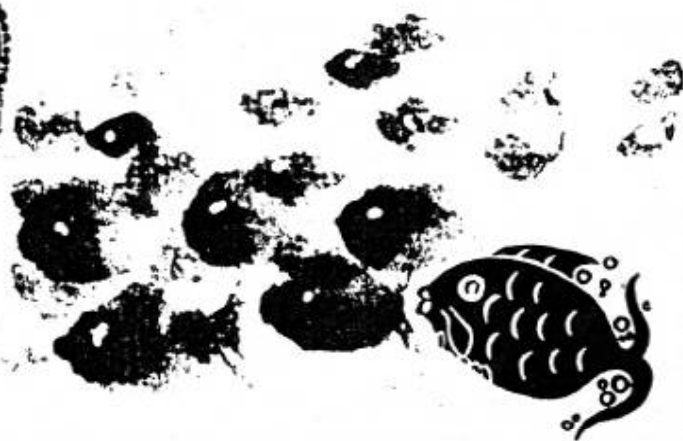
- جمعه ۱ شهریور ماه - شهادت فدائیان خلق یعقوب تقدیری ( امیر ) ۱۳۵۸
- عبدالرضا ایروانی ۱۳۶۰
- شنبه ۲ شهریور ماه - شهادت فدائیان خلق ابرج سپهری ۱۳۵۲
- علی میرشکاری ۱۳۵۸
- یکشنبه ۳ شهریور ماه - قیام سایگون ۱۹۴۰
- شهادت پیشمرگه فدائی انور اعظمی در کرستان ۱۳۶۱
- سه‌شنبه ۵ شهریور ماه - شهادت فدائی خلق محمود بابائی ۱۳۶۰
- چهارشنبه ۶ شهریور ماه - شهادت فدائی خلق هاشم باباعلی ۱۳۵۴
- پنج‌شنبه ۷ شهریور ماه - شهادت فدائی خلق اعظم السادات روحی آهنگران ۱۳۵۵

بندیه در صفحه ۱۱

## با کمکهای مالی خود

## سازمان رایاری رسانید

## یاد صمد در قلبهای زحمتکشانش زنده است



صنحه ۱۰

## ضد امپریالیستی جیره‌جداچه جیره‌په دمکراسی آذنه‌انت